

خلاقیت نفس و مبانی انسان‌شناختی آن

در حکمت متعالیه

فاطمه استثنایی*، دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد
سید مرتضی حسینی شاهرودی**، استاد گروه فلسفه و حکمت دانشگاه فردوسی مشهد
جهانگیر مسعودی***، دانشیار گروه فلسفه و حکمت دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بعقیده ملاصدرا، نفس ناطقه بگونه‌یی آفریده شده که بمحض علم و اراده میتواند مراد خود را بعنوان شأنی از شئون خویش محقق سازد، ولی این توانایی در نشئات مختلف وجودی نفس و با توجه به مرتبه نفوس، دارای مراتب شدید و ضعیف است. در حکمت متعالیه حیطة خلاقیت نفس، به دو حوزه درون و بیرون تقسیم میشود. مراد از درون، عوالم غیبی نفس و مراد از بیرون، عوالم طبیعت و ماوراء طبیعت است. مصداق بارز خلاقیت در درون، ایجاد صور ذهنی و از مصادیق خلاقیت در بیرون، معجزات و کرامات انبیا و اولیا است. برخی از مبانی انسان‌شناختی خلاقیت در حکمت متعالیه که در این مقاله بتفصیل مورد بررسی قرار میگیرد، عبارتند از: تجرد نفس، تجرد قوه خیال، فاعل علمی بودن، جامعیت (بساطت) نفس و مثل اعلا بودن آن. بر اساس این ویژگیها، نفس انسان بعنوان موجودی ملکوتی که خلیفه و مظهر تام و تمام خدای متعال است، علاوه بر خلاقیت‌های درونی، در صورتیکه در علم و عمل به مجردات تام تشبه یابد، میتواند هرچه را در صفحه تصور او به تجلی علمی موجود شده، تحت سیطره اراده خود درآورد و با اراده خود موجود ذهنی را کسوت وجود خارجی ببوشاند.

کلیدواژگان

نفس ناطقه خلاقیت تجرد
بساطت خلافت

مقدمه

شناخت جایگاه انسان در میان مظاهر خدای متعال و تواناییهای او بعنوان خلیفه خداوند، یکی از مسائل مهم هستی‌شناختی است و بازتابهای معرفتی آن میتواند تأثیرات مهمی بر زندگی آدمی داشته باشد. یکی از این ویژگیها و تواناییها، «قدرت خلاقیت» است. برخی بر این نظرند که اوج خداگونه بودن انسان، «خلاقیت» است و بر همین اساس حضرت حق، او را جانشین خویش در زمین نامیده است.^۱ در واقع، استناد کارهای خارق العاده به انسان در تمام مکاتب فلسفی مطرح بوده و این مسئله نه تنها موضوعی عرفانی، بلکه یک موضوع فلسفی است و

*.Email: f_estesnaei@yahoo.com

**.(نویسنده مسئول) .Email: shahrudi@ferdowsi.um.ac.ir

***.Email: masoudi_g@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۷ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۸
– این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده با راهنمایی دکتر حسینی شاهرودی و مشاوره دکتر مسعودی است.
۱. خسرونژاد، پیامدهای تربیتی حرکت جوهری، ص ۵۷.